

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۷ هـ.ق - ده شب در مدینه)

۳۰ مهر ۹۴

خطبه‌ی شب هشتم

به نام پروردگار کریمی که همواره رحمتش برای همگان گسترده است و آنگاه که بندگانش در تاریکی جهل، خود را فراموش می‌کنند، یاوریش را به میدان جانشان هدیه می‌نماید تا با یاری‌اش از جا برخیزند و تاریکی باورهای غلط را به روشنایی درکی روشن درمان کنند.

مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) چه زیبا لطف و رحمت پروردگار مهربان را تفسیر فرمودند که هر لحظه بی‌دریغ بر بندگانش نازل می‌فرماید ولی افسوس این انسان است که خود را از بخشش و احسان پروردگارش محروم کرده و در ورطه‌ی نابودی سرنگون می‌شود.

کوفه سرزمینی مقدس با قدمتی بسیار زیاد است، که این قدمت به روایتی به محل توبه‌ی حضرت آدم (س) می‌رسد، شهر کوفه بعد از ظهور اسلام احداث شد و امیر مؤمنان علی (ع) در زمان حکومتشان آنجا را به‌عنوان دارالحکومه‌ی خود قرار دادند.

سرزمین کوفه با دو سابقه در ذهن‌ها و تاریخ به جا مانده، اول این‌که کوفه محل جایگاه‌ها و بارگاه‌های مقدسی همچون مسجد کوفه و سهله که محل عبادت امیر مؤمنان علی (ع) و امام زمانان و پیامبران و اولیاء الهی است و نجف اشرف که بخشی از سرزمین کوفه بوده و بارگاه امیر مؤمنان (ع) و حضرت نوح نبی (ع) و حضرت آدم (ع) است و دارالسلام که محل دفن پیامبران می‌باشد. دوم کوفیان که مردمی پیمان شکن و سست عنصر و اسیر نفس بودند و هر روز در قالبی نو فرو رفته و تغییر ماهیت می‌دادند و امیر مؤمنان علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) را با این اعمال و رفتار خود مورد آزار و اذیت قرار داده و تا آنجا پیش رفتند که امیر مؤمنان (ع) را در محراب نماز به شهادت رسانده و به جان مبارک امام حسن مجتبی (ع) سوء قصد کردند و امام حسین (ع) را به کوفه دعوت کرده و ایشان و یاران و فرزندان را به

شهادت رساندند و ننگ و نفرین را در تاریخ برای خود ثبت نموده و عبرت مردمان آینده شدند.

جان عالم به فدای امیر مؤمنان علی (ع) که بارها برای اصلاح این عادت رذیله‌ی آنان تلاش نمود و آینده‌ی شومشان را به آنان متذکر شد اما مفید واقع نشد، با وجود این که ادعا می‌کردند که دوست‌دار اهل‌بیت هستند و از ایشان پیروی می‌کنند به یک وعده‌ی مال یا مقام همه را فراموش کرده و از راه باز می‌گشتند.

اینک ما چه می‌کنیم با این همه راهنمایی و هدایت و سخنان و نصایح مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) که آینده‌مان را برایمان پیش بینی می‌کنند تا عبرت بگیریم همان گونه‌ای که روش خداوند سبحان در قرآن کریم است که با بیان حکایات اقوام گذشته عملکرد و باور و عاقبتشان را نقل می‌فرمایند تا عبرت آیندگان باشند.

امام عصرمان نیز با بازگو کردن نقاط ضعف فکری و عملکرد شیعیان و کوفیان همین کار را می‌کنند، ما چه می‌کنیم؟ آیا مسلمانان و شیعیان عصر حاضر با شنیدن عملکرد غلط و نداشتن اخلاص و خودخواهی کوفیان و مسلمانان صدر اسلام آنان را محکوم کرده و خود را از آن مبرا می‌دانند و خیالشان راحت است؟ بدون اینکه در خود جستجو کنند و شباهت عمل خود را با آنان بسنجند. پس تا دیر نشده به خود آییم تا ما نیز عبرت تاریخ نشویم.

ای مهمانان کوی عشق باور و یقین داشته باشیم که سرزمین مقدس کوفه را کوفیان مدعی به دوستی و شیعه‌ی امامت، ننگ تاریخ کردند، ما که ساکن این کوی مقدس هستیم باید مراقب باشیم مانند کوفیان با این مکان مقدس رفتار نکنیم چون ما آیندگانی هستیم که حق و باطل را در آینه‌ی تمام‌نمای خطابه‌ها دیده‌ایم، پس به دست توانمند مولایمان پناهنده شویم تا نجات را برایمان رقم زنند.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج) خطبه‌ی امشب را قرائت می‌کنیم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب هشتم

سلام و شکر بر خالق که فرمود: ای بندگانم، اگر در حق خویش از روی جهالت ظلم روا داشته‌اید به رحمت پروردگارتان امیدوار باشید؛ او بخشنده و مهربان است. ساعت عمر را در آزمون‌های سبک و سنگین قرار داد تا ظرفیت‌ها شناخته شود. عقل، مدبر این آزمون‌هاست. همان‌گونه که در کتاب آسمانی فرموده گاه با مال، گاه با فرزند و گاه با جان، استقامت را محک می‌زند تا ادعاهای او را از اصل جدا کند. صبر حضرت ایوب (ع) مصداق وعده‌ی پروردگار است زیرا این پیامبر را با مال و جان و فرزند آزمود و او در تمام سختی‌ها به وعده‌ی رحمت پروردگار دل بست تا قدرت خلیفه را آشکار کند. این قدرت در تمام دوران‌ها با آزمون‌های سنگین در کتاب آسمانی قرآن کریم یاد شده است. در این امر حضرت موسی (ع) اکثر آیات را به خود اختصاص داده تا قومی را معرفی کند که بیشترین نعمت‌های الهی را تجربه کرده‌اند؛ گاه به دنبال نجات از دست فرعون اطاعت امر پیامبر را کرده‌اند گاه برای غارت او. آن زمان که به ندای حضرت موسی (ع) پاسخ دادند کاخ فرعون را به‌عنوان غنیمت غارت کردند ولی افکار او را در جان‌شان به ودیعه نگه داشتند. از پیامبر اطاعت کردند تا آن زمان که در کنارشان بود خلافی مرتکب نشدند ولی با غیبت کوتاهی که برای گرفتن تورات به طور رفت تمام سختی‌های راه را در کفر وجودشان سوزاندند و همان‌گونه که آیات کریمه می‌فرمایند خیانت در رسالت پیامبر را جاودانه نمودند. این حوادث در صفحات عمر امتی ثبت شده است که شنوندگانش در دل احساس خاصی دارند؛ از آنان به‌عنوان امتی که از غیب تغذیه شد، ابر بالای سرش قرار گرفت، از دریا گذشت و تمام نعمت‌های غیب شامل حالش گردید یاد می‌کند. تمام این اتفاقات در چند سال شکل گرفته؛ تلاوت کننده‌اش به زمان آگاه نیست؛ چند شب در کنار دروازه‌ی بیت‌المقدس خوابیدند؟ کی وارد شدند و چرا به سرگردانی ابدی مبتلا گردیدند؟ این نشانه‌ها چه حکمی را برای اقوام دیگر در بطن جان‌شان دارد؟ کدام قلب در سینه از این همه نعمت و رحمت پروردگار به تپش می‌آید؟

وقتی وجود مقدس پیامبر (ص) شروع به خواندن آیات می‌فرمود من کلمات را در قلبم می‌نگاشتم و سپس با قلم آن را روی ورقی تا قرآن کریم از نور به نوشته‌ای تبدیل شود که پروردگار امر فرموده بود؛ اینک تمام آن احساس‌ها در جان تلاوت کننده‌اش بیدار می‌شود؛ ای قاری! مراقب باش؛ تو کتابی را تلاوت می‌کنی که هر کلمه‌اش با اشک پیامبرت همراه است پس با آیاتش جانت را از این کالبد بی روح برهان تا نعمت را بشناسی. قرآن ناطق همواره با تو سخن می‌گوید؛ چه می‌خواهی و درخواست چیست؟ می‌خواهی از دریا بگذری؟ کفر پشت سرت به دنبالت در حرکت است؟ نترس بگذر. در بیابان جانت گرفتار شده‌ای؟ بیا و از طعام بخشش پروردگارت تناول کن. منتظر آمدن امامت هستی؟ او در تمام لحظات زندگی‌ات حضور دارد. چه می‌خواهی؟ سرگردانی‌ات قلمی است که جانت را نشانه گرفته؛ مانند یاران من که مقابلم نشسته‌اند و سؤال می‌کنند: یا امیر مؤمنان (ع) ما حکمیت را نپذیرفته‌ایم آنچه به آن رأی دادیم حکومت شما بود. ابوموسی فریب شیطان را خورد و ما فریب او را؛ اینک چاره‌ی کار چیست و من پاسخ دادم: تاریخ را به آنان اختصاص داده‌اید پس بگذارید تا آن را بنگارند. دیگر توان بازگرداندن را نخواهی داشت زیرا شیطان ایمانشان را ربود همان‌گونه که قوم بنی اسرائیل هرگز نتوانستند تا کفر و طغیان را از خود برهانند پس تاریخ شاهد سخت‌ترین مبارزه‌ی حق علیه باطل در جانش خواهد بود شما نیز به دنبالش باشید. حسن را تنها نگذارید تا همانند تنهایی حضرت موسی (ع) به خشم پروردگار گرفتار آید. مالک به‌طرف امام می‌آید و می‌گوید: ای کاش تمام تیرها به قلبم اصابت می‌کرد و این لحظات را درک نمی‌کردم. چاره‌ی این قلب سوخته چیست؟ مولا می‌فرمایند: چاره‌ی تمام دوران‌ها خواندن صاحب آن است پس باید منتظر حق باشی تا انتظار را در رحمت حق بچشی و این روزهای سخت را فراموش کنی.

اینک گنجینه‌ی پنهان زمین و آسمان را بخوان تا به مددت بیاید. او را با نام شیرینش بخوان:

اللهم عجل لولیک الفرج